

گزارشی فشرده از جنبش کارگری ایران متن سخنرانی در تظاهرات اول ماه مه - آلمان

نسخه‌ی فارسی

نسخه‌ی آلمانی

همبستگی بین‌المللی کارگران علیه نظم مسلط جهانی، بدون آگاهی آنان از وضعیت و مبارزات یکدیگر ناممکن است. در تصاویری که رسانه‌های جریان اصلی از ایران مخابره می‌کنند، فقط عمل‌کرد خارجی جمهوری اسلامی، افت‌وخیزهای قرارداد اتمی و تنش‌های بین رژیم ایران و دولت آمریکا برجسته می‌شوند. به‌ندرت از وضعیت واقعی مردم و مبارزات‌شان چیزی منتقل می‌شود، که معنای ضمنی آن، انفعال توده‌ی مردم است؛ درحالی‌که مبارزات مستمر جنبش کارگری در ایران، در کنار سایر جنبش‌های اجتماعی، خلاف آن را نشان می‌دهند. اگر نولیبرالیسم شکل مسلط تهاجم جهانی سرمایه‌داری باشد، روایت مقاومت کارگران ایران همچنین از این لحاظ اهمیت دارد که جامعه‌ی ایران دست‌کم از سی سال پیش محل اجرای هارترین نوع سیاست‌های نولیبرالی بوده است. باید یادآوری کنیم که در کشور ثروتمند ایران، حتی بنا بر آمار رسمی، بیش از نیمی از جمعیت در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. و اینکه در ایران نه‌فقط فعالیت سازمان‌های سیاسی مستقل از دولت ممنوع است، بلکه کارگران هم از حق تشکیل‌یابی و اعتصاب محروم‌اند و تلاش‌های کارگران برای تشکیل‌یابی، همواره با اخراج و زندان و شکنجه و تعقیب امنیتی همراه بوده است.

با این حال، در یک سال گذشته، علاوه بر رشد مبارزات زنان و ملیت‌ها و اقلیت‌های تحت‌ستم و مبارزات زیست‌محیطی، اعتراضات کارگران و تهیدستان هم در ایران رشد چشمگیری داشته است. روزانه به‌طور میانگین ۱۱ اعتراض کارگری به‌ثبت رسیده است، که اشکال گوناگونی داشته‌اند: از اعتصاب در محیط کار و تجمع در مقابل وزارت کار و مجلس، تا اعتراضات خیابانی و حتی بستن جاده‌های اصلی. ریشه‌های عمده‌ی تمامی این اعتراضات عدم ایمنی شغلی و بیکارسازی انبوه به‌دلیل خصوصی‌سازی، پایین‌بودن سطح دستمزدها با وجود افزایش مداوم تورم و مخارج زندگی، و عدم پرداخت دستمزدها بوده است. برخی از مهم‌ترین نمونه‌ها از این قرارند:

کارگران پروژه‌های و پیمانی صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، به‌رغم محرومیت از تشکل، و با وجود پراکندگی در شرکت‌های مختلف پیمان‌کاری، موفق شدند به مدت دو ماه از اوایل تابستان اعتصابات سراسری را سازماندهی کنند. مهم‌ترین مطالبه‌ی آنان، لغو قراردادهای پیمانی، افزایش دستمزدها، بهبود وضعیت کمپ‌های کارگران در مناطق دور از شهر و کاهش روزهای کاری بود. سرکوب و اخراج و تهدید نتوانست اعتصابات آنان را متوقف کند و دولت و کارفرمایان مجبور شدند با دادن وعده‌هایی، موقتاً عقب‌نشینی کنند. اما از آنجا که این وعده‌ها تحقق نیافت در هفته‌های اخیر موج دیگری از اعتصابات سراسری برپا شده است. در یک‌سال گذشته جنبش معلمان اعتصابات و مبارزات خیابانی وسیعی را در بسیاری از استان کشور سازمان‌دهی کرد و خواهان افزایش حقوق، ایمنی شغلی و آموزش رایگان همگانی شد. بخشی از دانش‌آموزان و والدین هم با این مطالبات و اعتراضات

همراهی کردند. کارگران نیشکر هفت‌تپه در ادامه‌ی پیکار طولانی و اعتصابات مکرر خود علیه خصوصی‌سازی بالاخره موفق شدند دولت را مجبور کنند تا از مالکان خصوصی مجتمع عظیم نیشکر خلع ید کند. این نخستین تجربه‌ی خلع ید، پس از شروع فرآیند خصوصی‌سازی نولیبرالی در ایران بود. همراهی خانواده‌های کارگران با اعتراضات خیابانی نقطه‌ی قوت این اعتراضات بود. و مهم‌تر اینکه، مبارزات چندین ساله‌ی کارگران هفت‌تپه توانست شکل سازمان‌دهی و تصمیم‌گیری شواربی را بار دیگر در درون جنبش کارگری و گفتمان چپ اعتبار ببخشد. شعار محوری آن‌ها «نان، کار، آزادی - اداره‌ی شورایی» بود. جالب آنکه در سازمان‌دهی مبارزات اخیر معلمان و کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی هم اشکال هماهنگی و تصمیم‌گیری شورایی غلبه داشت، که استفاده از امکانات شبکه‌های اجتماعی، انجام آن را تسهیل کرد.

حاکمان ایران، بحران ژرف اقتصادی را که ناشی از کاربست نولیبرالیسم و فساد و ناکارآمدی ساختاری دولت است به تحریم‌های غرب نسبت می‌دهند و از همین بهانه برای تشدید سرکوب‌ها و خفقان سیاسی بهره می‌گیرند. دولت با ژست امپریالیسم‌ستیزی، بخش بزرگی از ثروت کشور را صرف بسط نظامی‌گری کرده است. همزمان، پیشبرد سیاست‌های نولیبرالی بهترین فرصت را در اختیار نخبگان سیاسی و نهادها و جریان‌ها نزدیک به دولت قرار داد تا تصاحب انحصاری‌شان بر منابع ثروت عمومی را گسترش دهند.

روشن است که جنبش کارگری در ایران به‌رغم پیشروی‌های قابل‌توجه، هنوز از مطالبات و اهداف حداقلی خود بسیار دور است. اما اگر فرآیند مبارزه‌ی طبقاتی را با توجه به شرایط استبدادی ویژه‌ی ایران در نظر بگیریم، مهم‌ترین دستاورد این جنبش تداوم و گسترش‌یابی مستمر آن بوده است. و اینکه کارگران هرچه بیشتر به قوای خود و ضرورت سازمان‌یابی مستقل و سازمان‌یابی‌های فرامحلی و سراسری واقف شده‌اند؛ حتی اگر این سازمان‌یابی‌ها به‌ناچار عمدتاً در اشکال مخفی و نیمه‌مخفی باشند. طبقه‌ی کارگر ایران با کمترین امکانات، ستیزی نابرابر ولی دلیرانه را علیه یک نظام سرمایه‌داری استبدادی پیش می‌برد؛ نظامی که دولت، رسانه‌ها، دستگاه پلیسی-امنیتی، دستگاه قضایی و نهاد دین را در اختیار دارد و سازگاری‌اش با نظم اقتصادی مسلط بر جهان، مهم‌ترین پشتوانه‌ی خارجی آن است.

اگر مبارزات کارگران و ستم‌دیدگان ایران در مقایسه با هزینه‌های گزاف تحمیل‌شده بر کارگران و فعالان سیاسی پیشرفت اندکی دارد، و لذا اغلب شکلی تراژیک می‌یابد، لزوماً ناشی از ضعف یا عقب‌ماندگی جنبش کارگری نیست؛ بلکه بیشتر ناشی از این واقعیت است که در سرمایه‌داری جهانی‌شده که سیطره‌ی جهانی‌اش را با بسط سیاست‌های امپریالیستی بازتولید می‌کند، مبارزه‌ی طبقاتی در درون مرزهای یک کشور شانس اندکی برای پیروزی دارد. از این نظر، همبستگی واقعی با مبارزات کارگران در جوامعی مثل ایران، تقویت و تشدید مبارزات طبقاتی در درون کشورهای متروپل و امپریالیستی است. پس: زنده‌باد همبستگی بین‌المللی کارگران و ستم‌دیدگان جهان!

جمعی از فعالین «نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران» - شمال غرب آلمان / اول مه ۲۰۲۲

* * *